

# رویکردهای ترکیبی برای ارزیابی فقر در هندوستان\*

والری کوزل و باربارا پارکر

ترجمه محمد رضا فرهادی پور\*\*

این مقاله خلاصه مطالعه نو و ابتکاری<sup>۱</sup> مسئله فقر با ترکیبی از روشهای تحقیق کمی<sup>۲</sup> و کیفی<sup>۳</sup> در میان روستاییان هندوستان است. نویسندگان در این قسمت، اهداف، رویکردهای روش‌شناسی و یافته‌های مقدماتی این مطالعه را با توجه ویژه به فروض، تکنیک‌های نمونه‌گیری<sup>۴</sup> و دروس آموخته‌شده در فرایند اجرای این تحقیق ترکیبی جامع، مورد بحث قرار می‌دهند. در همین حال پیشنهادها و توصیه‌هایی برای اجرای تحقیقات آینده بیان می‌شود.

\* Integrated Approaches to Poverty Assessment in India/ Valerie Kozel and Barbara Parker

این مقاله ترجمه فصل ۴ کتابی است با عنوان:

*Integrated Quantitative and Qualitative Research in Development Projects*, World Bank, 2000

Bambe edited by Michael Bamberger

که براساس گزارشی با عنوان زیر تهیه شده است:

Social and Economic Determinant at Poverty in India's Poorest Regions: Qualitative and Quantitative Assessment. India County program Washington D.C. The World Bank / V. Kozel, 1998.

\*\* کارشناس اقتصاد نظری و دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی

1. innovative
3. qualitative

2. quantitative
4. sampling

## اهداف تحقیق

بتازگی گروهی مسئله فقر را در برخی از فقیرترین مناطق هندوستان با مطالعه‌ای ابتکاری بررسی کرده‌اند، هدف اولیه این مطالعه که ترکیبی از رویکردهای تحقیق کمی و کیفی است، شناسایی بیشتر و بهتر فقر در میان روستاییان هندوستان به منظور تهیه اطلاعات برای فاز بعدی برنامه مبارزه با فقر بانک جهانی در هندوستان بود.

هرچند اطلاعات فراوانی از نتایج تحقیقات پیشین در مورد مسئله فقر در میان روستاییان هندوستان در دست داریم، [اما] جهان و همراه با آن وضعیت فقرا در حال تغییر است. در این تحقیق ابتکاری به دلیل تغییر در اوضاع و شرایط حاکم بر فقر در هندوستان، تیم تحقیق توانست اطلاعات جدیدی بیش از آخرین مطالعه انجام شده به دست آورد. به علاوه در این مطالعه به علت استفاده از رویکرد ترکیبی که اطلاعات جامع تری از پدیده چندوجهی فقر در روستاهای هندوستان در اختیار ما می‌گذارد، چشم‌انداز جدیدی از فقر نیز نمایان شد.

دومین هدف این مطالعه درک بهتر ماهیت فقر بود. این مطالعه با اذعان به این نکته که فقر پدیده‌ای بسیار پیچیده است، طراحی شد، و این روش بویژه در میان روستاهای هندوستان که فقرا نه تنها با محدودیتهای اقتصادی، بلکه با محدودیتهای فرهنگی و اجتماعی نیز روبه‌رو هستند، راهکاری صحیح است.

برای به دست آوردن درک بهتری درباره مسائل تحرک‌پذیری و آسیب‌پذیری، شناخت فرهنگ و اجتماعی که مردم فقیر در آن برای بهتر شدن زندگی و رهایی از بینوایی بیشتر، تلاش می‌کنند، ضروری است، اما تاکنون روشهای تحقیق پیمایشی سنتی، بخوبی برای پرداختن به این مسئله طراحی نشده است. بنابراین به منظور تحقق این هدف، گروه تحقیق با استفاده از روشهای ترکیبی، به آزمون تأثیرپذیری فقر از فرهنگ، اجتماع و محیط سیاسی در منطقه‌ای از هندوستان پرداخت.

سومین هدف این مطالعه تهیه آمار و اطلاعاتی بود که می‌توانست باعث بهبود توسعه و اجرای برنامه‌ریزی عملیاتی [مبارزه با فقر] شود. به منظور توسعه مؤثرتر این برنامه کشوری، بانک جهانی ضرورتاً باید شناختی عمیق‌تر از نتایج برنامه‌های مبارزه با فقر در هندوستان که برنامه‌هایی بزرگ و پرهزینه است، به دست بیاورد. [این خود] بحثی جدی در زمینه تحقیق و ارزیابی برنامه‌ریزی‌هایی است که در گذشته انجام شده است. گرچه چندین سال زمان برای

تکمیل آنها مورد نیاز بوده، در بسیاری از این مطالعات، درس آموخته شده در برنامه‌ریزی عملیاتی منعکس نشده، و بنابراین از ابتدای این کار مطالعاتی، محققان بدقت به دنبال درگیر شدن کارکنان اجرایی در طراحی و اجرای مطالعه بودند.

### فرضیات و رویکردها

روشهای این مطالعه مشارکتی<sup>۱</sup>، انطباق‌پذیر<sup>۲</sup> و متمرکز، مبتنی بر یادگیری و آموزش بود، اما مدلی معین و مشخص برای چگونگی انجام تحقیق ترکیبی وجود نداشت. این تحقیق فقط نمونه‌ای بود که گروه تحقیق نکات فراوانی از آن آموخت. امید بود که سایر گروه‌ها الگوی خودشان را توسعه دهند و این امیدواری وجود داشت که دیگران را در آموخته‌های خود آشنان سهیم سازند که فهم عمیق‌تری از روش‌شناسی ترکیبی به وجود آید و در طول زمان تکامل یابد. فرضیه اساسی محققان این بود که روشهای متفاوت جمع‌آوری اطلاعات برای پاسخگویی به انواع مختلف سؤالات طراحی شود. در جنبه کمی، تحقیق تلاش می‌کند تا متغیرهای معین قابل اندازه‌گیری را بررسی کند. روشهای ارزشیابی بخوبی برای ارائه آمار و تثبیت گرایشهای اصلی، طراحی می‌شود. در مواردی داده‌های کیفی، مطابق با ادراکات شخصی و انتظارات ما گزارش می‌شدند و در مواردی منعکس‌کننده برداشت‌ها و تفاسیر محققان از موقعیت خاص منطقه بودند. در سایر موارد، ممکن است محقق آنچه را که دیده و شنیده بر حسب آنچه در بسته پروتکل تحقیق تعریف شده، ثبت کند. بارها محقق مطابق با چارچوب عقاید یا بینشی خاص نسبت به حوادث، شرایط و هنجارهای اجتماعی، رفتار و مطالبی [دیگر] را ثبت کرده است.

از ابتدای این مطالعه، محققان گزینه‌هایی را نیز برای کمی کردن داده‌های به‌دست‌آمده از طریق فاز کیفی تحقیق و سؤالات پیمایشی باز<sup>۳</sup>، مد نظر قرار دادند. هرچند در پایان اثبات شد که برای کارآمدتر بودن تحقیق بهتر است از روشهای متفاوت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شود. تجربه به این گروه تحقیق اثبات کرد، زمانی که سعی می‌شود تا اطلاعات کیفی به سادگی به اطلاعات کمی تبدیل شود، اغلب، برخی بینش‌های واحد از دست می‌رود. کوشش‌های مشابهی نیز

1. participatory

2. adaptable

3. opened survey questions

برای افزودن این مسئله صورت گرفت که چرا سؤالات پیمایشی تحقیق، پاسخ‌هایی را در تبیین پدیده مورد سؤال به بار آوردند که بسیار سطحی و عمومی بودند. در حالی که از نظر فنی برای مصاحبه‌گران امکان‌پذیر است که همه موارد را کلمه به کلمه یادداشت کنند و بعد به طبقه‌بندی آنها بپردازند، اما این فرایند در عین اینکه هزینه‌بر است، همیشه نیز اطلاعات مفیدی به همراه ندارد.

## اجرای تحقیق

سازمان اجرای مطالعه، انعطاف‌پذیر و تکرارکننده بود. در این مطالعه، رویکرد اجرا و ابزار تحقیق طی دوره انجام مطالعه در پاسخ به آنچه در هر مرحله آموخته شد، تکامل یافت. برای مثال ابزارهای کیفی دو بار بعد از اولین آزمون توسط گروه‌های میدانی تغییر کردند و بعد از آن در نتایج سهیم شدند و ایده‌ها و پیشنهادهای نیز به منظور انجام تحقیق، تغییر یافت. ابزار کمی تحقیق طی برگزاری سمیناری سه‌روزه و سپس ارائه گزارش توسط مسئولان گروه‌های میدانی و بحث درباره یافته‌های کیفی و تحلیل آنها، توسعه یافت.

تحقیق در دو فاز انجام شد. فاز اول از تحقیق کیفی، از دو عامل استفاده از ارزشیابی سریع روستا<sup>۱</sup> و ارزشیابی مشارکتی روستا<sup>۲</sup> تشکیل شده بود. چون محققان احساس می‌کردند حفظ یک رویکرد روش‌شناختی سازگار در میان روستاهای نمونه، دارای اهمیت است، شش ابزار تحقیق، آماده و یک پروتکل عمومی برای استفاده از آنها تدوین شد. ترکیب ابزارها بخوبی منافع کشور هندوستان را به گروه‌های تحقیق محلی منعکس می‌کرد و ابزارهای مورد استفاده، گروه‌ها را در تمرین راهبردهای اجرایی که شامل نقشه‌برداری اجتماعی، رتبه‌بندی ثروت، ارزیابی از خدمات و برنامه‌ریزی‌ها و فهرستی از سرمایه اجتماعی و شناسایی قوانین جنسی بویژه خشونت‌های جنسی بود، راهنمایی می‌کردند و تمرین نهایی، اجرای تعدادی مطالعات موردی بود<sup>۳</sup>. تمامی تمرین‌ها در هر روستا انجام شد، در عین حال مسئولان گروه‌ها با توجه به شرایط

1. rapid rural appraisal (RRA)

2. participatory rural appraisal (PRA)

۳. برای اطلاعات بیشتر در مورد روشهای مشارکتی نک به:

Rietbergen-McCracken and Narayan, a Resource Kit for participation and social assessment. Social policy and resettlement division, environment Department, Washington D.C. The World Bank.

خاصی که در هر منطقه با آن روبه‌رو می‌شدند، مجاز به تطبیق ابزار با شرایط بودند. مسئولان پنج گروه محلی در آزمون اولیه و بازبینی مجدد ابزارها مشارکت کردند و دریافتند که باید استفاده از همه ابزارها را به اعضای گروه تحقیق آموزش دهند. طراحی برنامه‌ریزی به منظور آموزش مناسب اعضای گروه بسیار چالش‌برانگیز بود، آن هنگام که برخی از سرپرستان گروهها دارای یک بینش کیفی قوی بودند در حالیکه بقیه، تنها محققان اقتصادی صرف بودند. این چالش را یک مربی باتجربه سازمانهای غیردولتی<sup>۱</sup> که هماهنگی چندین پروژه را در یکی از مناطق بر عهده داشت، مشخص کرد.

بر حسب منطقه مورد بازدید، رویکرد اجزای کیفی می‌توانست محکم اما نه وسیع توصیف شود، که در کل در بخش کیفی ۳۰ روستا وجود داشت از سویی هر گروه، ۶ روستا را در یک دوره سه‌ماهه تحت پوشش قرار می‌داد. در آماده‌سازی فاز کیفی، محققان در کار میدانی، تقریباً ۶ ماه را به همراه مسئولان گروهها، صرف شکل‌گیری تیم‌ها و مباحثه درباره اهداف مطالعه کردند. اگرچه ایجاد چنین ترتیبی همیشه امکان‌پذیر نیست، محققان معتقدند که این عمل به طور بنیادی برای موفقیت در کار لازم است. ابزارهای کیفی و روشهای بنیادی در تمامی دوره جلسات برای انعکاس دانش محلی و فرایند شفاف‌سازی و پالایش نظرات، تغییر کردند.

در حرکت به سوی فاز پایانی بخش کیفی تحقیق، محققان اقدام به طراحی پرسشنامه پیمایشی برای فاز دوم پیمایش کردند. نتایج تحقیق کیفی به منظور [تفہیم] فرایند توسعه ابزار پیمایش نشان داده شد. اگرچه هدف اولیه کار کیفی، تهیه پایه اطلاعاتی و تحلیل ارزشمندی از آنها بود، این فاز پروژه برای بهتر کردن کیفیت شکل‌گیری پرسشنامه، ارزشگذاری و افزودن قدرت توضیحی به منظور تحلیل چندجانبه تحقیق مفید بود.

پرسشنامه به منظور تهیه چارچوب پیمایشی اندازه‌گیری استانداردهای زندگی<sup>۲</sup> توسط بانک جهانی توسعه یافت، که برای اندازه‌گیری درآمد، مصرف و طیف گسترده‌ای از متغیرهای دیگر

1. non government organization (NGO)

۲. living standards measurement survey (LSMA)، برای اطلاعات بیشتر در مورد برنامه اندازه‌گیری استانداردهای زندگی نک به:

Angus Deaton (1997), The Analyses of Household Surveys: a Micro economic Approach to Development Policy, Washington D.C.: The World Bank.

مورد استفاده قرار گرفت. بخشهای دیگری نیز به منظور انعکاس برخی یافته‌های کیفی مطالعه اضافه شد. برای مثال طبق نتایج کیفی به دست آمده، مشخص شد بررسی مسئله آسیب‌پذیری در برابر خطر در میان فقرای روستاهای هندوستان بسیار مهم است. متعاقباً محققان بخش آسیب‌پذیری، سؤالهایی در مورد عقایدی که بارها در کار ارزشیابی مشارکتی روستا در مورد آنها هشدار داده بودند، مانند دسترسی به برنامه‌ها، خدمات و قابلیت اطمینان از عرضه‌های غذا را اضافه کردند.

طبقه و جایگاه اجتماعی نیز به عنوان عواملی شناخته شدند که نقش مهمی در تأثیر بر توزیع فرصتها و محدودیتها بازی می‌کنند. به علاوه نتایج کیفی یک مفهوم مهم را، با فرصتهای شغلی، فرصتهای تولید-درآمد و تثبیت شغلی آشکار کردند. به این پیامدها مکرراً در تمرکز مباحث گروه در مورد فقر و ریسک در خصوص تحرک‌پذیری و تغییر، بویژه در زمینه درک امکانات برای رهایی از فقر، اشاره شده بود. یک بخش فعالیت وسیع به اندازه‌گیری درآمد در درون و بیرون از مزرعه کمک می‌کرد و تثبیت فعالیتهای شغلی آنها در تمام طول سال شامل فاز پیشرفته پرسشنامه را در بر می‌گرفت.

یکی از مولدترین تمرین‌های اجرا شده در فاز کیفی تحقیق، برنامه‌رتبه‌بندی بر اساس ثروت بود. این فاز ۳۵ تا ۴۰ خانوار را که به طور تصادفی انتخاب شده بودند در بر می‌گرفت و سؤال متمرکزی از گروههایی از همسایگان فقیر و همسایگان ثروتمند، برای رتبه‌بندی خانوارها بر حسب ثروت پرسیده شد. طی اجرای فاز کمی، گروههای میدانی به آن روستاها بازگشتند و خانوارهای رتبه‌بندی شده را بر حسب ثروت مورد بازدید قرار دادند. آمار و اطلاعات به دست آمده از این پیمایش، در راستای اندازه‌گیری سطح فقر در این خانوارها، یا [برای] اندازه‌گیری مصرف تهیه شد. نتایج کمی طی این فرایند با نتایج رتبه‌بندی بر اساس ثروت به دست آمده از فاز کیفی تحقیق مقایسه شد تا میزان تفاوت آنها مشخص شود.

### انتخاب جنبه‌های تحقیق

یکی از مباحث جدی در میان محققان، نحوه انتخاب روستاهای موجود در نمونه بود و اینکه آیا باید از یک نمونه تصادفی استفاده شود. بعد از مباحثه‌ای طولانی تقریباً ۱۲۰ روستا در منطقه

یوتار پرادش<sup>۱</sup> شرقی و شمال مرکزی بهار برای پیمایش کمی شناسایی شد. ۹۰ روستا به منظور انجام تحقیق کمی به طور تصادفی با استفاده از یک روش آماری قابل قبول انتخاب شدند، ۳۰ روستای باقیمانده نیز برای مشارکت در بخش کیفی تحقیق انتخاب شدند، به طوری که از داده‌های کمی این ۳۰ روستا می‌شد برای تقسیم بندی نتایج استفاده کرد. این ۳۰ روستا به طور تصادفی برای پیمایش انتخاب نشدند و تمایلی هم برای ارائه آمار جمعیتی نداشتند. آنها به این دلیل انتخاب شدند که منعکس‌کننده مشخصات خاص مورد توجه محققان بودند (این روستاها گاهی اوقات با سطح معینی از پیچیدگی طبقاتی به میزان کافی مجزا بودند). می‌توان گفت که این فرایند تا اندازه‌ای شبیه یک نمونه‌گیری تئوریک بود، که یک نمونه با دیدگاه توسعه‌تئوری عمومی انتخاب می‌شد. با این حال، چون این روستاها در پیمایش کمی نیز حضور داشتند، جایگزینی آنها درون یک نمونه وسیع‌تر و مقایسه آنها با روستاهایی با مشخصات اقتصادی اجتماعی مشابه امکان‌پذیر بود. به دلیل دقت زیاد نمونه‌گیری آماری، محققان، نمونه‌های ماورای سطح روستا را که شامل همان خانوارها بود، در هیچ یک از دو تحقیق کمی و کیفی وارد نکردند. با این‌همه، خانوارهای ثروتمندی که رتبه‌بندی شده بودند، به منظور به دست آوردن آمار واقعی تری از وضعیت اقتصادی آنها، در پیمایش کمی قرار گرفتند.

### یافته‌های مقدماتی

ممکن است یافته‌های اولیه از دو کار کیفی و کار بر اساس پیمایش، برخی فروض پیشین کارمندان بخش برنامه‌ریزی بانک جهانی کشور هندوستان را دچار چالش کند. این امر بویژه با توجه به تأثیر برنامه‌ریزی‌های متنوع مبارزه با فقر که کارمندان بانک فکر می‌کردند بخوبی این پدیده را می‌شناسند، درست است. برای مثال، طرح‌های تولید - اشتغال اجرایی توسط اکثریت کارمندان برنامه‌ریزی کشور هندوستان به عنوان یک موفقیت تلقی شد، در حالی که [آنها] برنامه‌ریزی عمده یارانه غذایی را با توجه به هزینه و عدم کارایی سیستم توزیع عمومی، دارای تأثیر خیلی کمتری می‌دانستند. با این حال، هم تحقیق کیفی و هم تحقیق کمی نشان داد که

1. Uttar Pradesh is an Indian state located in northern India. The language spoken here is Hindi and its capital is Lucknow. This is one of the most populous states of India and also one of the poorest and corrupt.

برنامه‌ریزی‌های یارانه غذا یکی از دخالت‌هایی بود که تفاوت‌هایی را در زندگی فقرا ایجاد می‌کرد. با مقایسه تدابیر تولید- اشتغال مشخص شد که آنها اساساً ناکارآمد بودند، و تنها برای دو درصد از افراد اشتغال ایجاد شد. نوآوری دیگر این مطالعه این بود که برنامه‌ریزی نسبتاً کارآمد ترکیبی خدمات توسعه کودکان<sup>۱</sup> مورد شناسایی قرار گرفت.

هرچند در مناطق مورد مطالعه، برنامه‌ریزی اساساً ناکارآمد شناخته شده بود، در تعداد کمی از روستاها که برنامه‌ریزی فعال شناخته شده بود، کودکان استفاده‌کننده عموماً فقیر نبودند. مصاحبه با اداراتی در سطح دولت و نیز یک بازخوانی ارقام عرضه نشان داد که برنامه‌ریزی‌های اشتغال و برنامه‌ریزی‌های ترکیبی خدمات توسعه کودکان، کارکرد خوبی داشته است. با این حال، نتایج این تحقیق اشاره می‌کند که گرچه مبالغی برای انجام این برنامه‌ریزی‌ها هزینه شده، [اما] خدمات بندرت تحویل داده شده است. این یافته‌ها در میان تحقیقات کمی و کیفی [با یکدیگر] سازگار بود.

رویکرد روش‌های چندگانه، اساساً در این زمینه مولد شناخته شد. بعد از پیامد مفید برنامه‌ریزی‌های دولت برای فقرا که وابسته به اهداف عملی پیمایش است، از سه رویکرد فزبندی‌شده برای آزمون این سؤال استفاده شد.

اول اینکه مباحثات کیفی آشکار کردند که بر اساس برداشت روستاییان از هر برنامه‌ریزی بر حسب چگونگی مفید بودن آن، چه کسی سود می‌برد و چگونه از منافع برنامه‌ریزی برای امور روزانه یا نیازهای حیاتی استفاده می‌شود. پیمایش نمونه بعد از تأیید بینش‌های آماری و تحلیل کمی داده‌ها، به محققان اجازه داد برای تثبیت روابط آماری میان برنامه‌ریزی استفاده‌شده و سطوح درآمد، عوامل دیگری مانند شناخت طبقه اجتماعی را نیز به کار گیرند.

سرانجام مطالعه‌ای فرعی در مورد سیستم توزیع عمومی هدف‌گذاری شده<sup>۲</sup> در یوتار پرادش که به تأیید و شفافیت بیشتر نتایج می‌پرداخت، صورت گرفت. در مطالعه فرعی سیستم توزیع عمومی هدف‌گذاری شده، از یک رویکرد ترکیبی استفاده شد. این مطالعه فرعی که تحلیل جزئی‌تری از داده‌های کمی را در بر می‌گرفت، با تحقیق میدانی انجام‌شده در

1. integrated child development services (ICDS)

2. integrated public distribution system (IPDS)



روستاهای یوتار پرادش تکمیل شد که به صورت ساختاری، از مصاحبه‌ها و مباحثات متمرکز گروه‌ها برای تفسیر عملکرد سیستم توزیع عمومی هدف‌گذاری شده در سطح محلی استفاده کرد. محققان معتقد بودند به کارگیری روشهای گوناگون ترکیبی، صحت و اعتبار یافته‌ها را افزایش می‌دهد. یقیناً تنوع منطقه‌ای هندوستان بسیار زیاد است و این مطالعه نمی‌تواند ادعای توصیف کاملی از وضعیت کشور را داشته باشد. با این‌همه مناطق مطالعه‌شده، جزء فقیرترین مناطق کشور هندوستان بودند که تقریباً جمعیتی معادل ۱۴۰ تا ۱۶۰ میلیون نفر دارند. در نتیجه، در حالی که یافته‌های تحقیق حیرت‌آور بود، احتمالاً حاکی از بررسی کامل فقر شایع در این منطقه نیز بود.

پیامد دیگری که از جنبه علمی نمایان شده، مرتبط با حرکت به سوی تمرکززدایی در هندوستان است، که کنترل و اجرای بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها را به سطح محلی انتقال داده است. این تحقیق نشان داد که اگر نخبگان روستایی، کنترل برنامه‌ریزی‌ها را به دست گیرند، خطر جدی این است که منافع آنها شامل بخشی از سیستم توزیع سیاسی سنتی شود. بر اساس این نتایج، منافع بالقوه بسیاری در تمرکززدایی وجود دارد، و اگر بدقت به کار نرود، به طور واقعی نابرابری‌های بلندمدت را وخیم‌تر می‌کند.

سرانجام، کار کیفی، اهمیت بنیادی متغیر طبقه و جایگاه اجتماعی در اثرگذاری بر دسترسی به منابع، منافع و سرمایه اجتماعی جوامع مورد مطالعه را نشان داد. اگرچه به نظر می‌آید این یافته در هندوستان شاهدی برای خود داشته باشد، اگر تنها یک بررسی پیمایشی مطابق قواعد و رسوم رایج انجام شود، این متغیر و آثار آن بر فقر می‌تواند از دست برود. اگرچه وجود طبقه و ننگ مرتبط با طبقه پایین به عنوان دانش مشترک شناسایی شده است، عموماً طبقه به صورت پدیده‌ای اجتماعی و جدا از پدیده اقتصادی بررسی شده است. بدون سؤالی‌های باز، و همچنین با توجه به رویکرد پیمایشی مورد استفاده در تحقیق کیفی، ممکن است راههای بسیار پیچیده و دقیقی که تحت تأثیر رفتار و فرصت اقتصادی طبقه مورد نظر است هرگز تحت پوشش قرار نگیرد یا در پرسشنامه پیمایشی مطرح نشود.

اگرچه در تمرین نقشه‌برداری اجتماعی، مشاهده شد که تقریباً تمامی منابع جوامع اطراف خانوارهای ثروتمند و طبقات اجتماعی بالاتر جمع شده بود، مصاحبه‌ها با مردم طبقه پایین‌تر درباره پیامد مسئله تحرک‌پذیری - اینکه چه کسی و چگونه در پیشاپیش جامعه به جلو

می‌رود؟ - آشکارا نشان داد که برای پاسخ‌دهندگان، تصور خروج از طبقه اجتماعی که در آن متولد شده‌اند، دشوار است.

رویکرد برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده افراد قبیله و هر طبقه خاص اجتماعی در راستای بهبود وضعیت معیشتی خانواده خود، بندرت رقابت بر سر دارایی‌هایی را در بر می‌گرفت که به عنوان شاخص ثروت آنها توصیف می‌شد.

پاسخ‌دهندگان پایین‌ترین طبقه، آرزوی به دست آوردن مشخصات طبقه بالاتر مانند مالکیت گسترده زمین را نداشتند، شاید به دلیل اینکه آنها این موضوع را در جامعه خود امری دست‌نیافتنی می‌دانند. اکثریت آنها آمیدی برای به دست آوردن دستمزدهای بالاتر در شغل معمولی کار در مزرعه فرد دیگری را نداشتند. با این حال بعضی پاسخ‌دهندگان، طرحی برای ایمنی بیشتر در روستای خود ارائه دادند و بعضی نیز شغل ثابتی بیرون از روستا را مطالبه می‌کردند.

عقاید پاسخ‌دهندگان نشان داد که مهاجرت از روستا را پرخطر می‌دانند. گرچه ممکن نیست کارگران سنتی و روستایی بی‌آنکه در معرض خطر باشند چیزی به دست بیاورند، حتی طبقات پایین نیز می‌توانند منتظر محافظت معینی از سوی اعضای طبقه بالاتر باشند. این محافظت شامل انواع متنوعی از کمکها در مواقع ضروری و نیز دسترسی به اعتبار مالی در دوره‌هایی است که کسری اتفاق می‌افتد. زمانی که آنها روستا را ترک کرده و به دنبال کار بیرون از بخش کشاورزی می‌روند، فقرا حمایتها را از دست می‌دهند.

یافته‌های تحقیق، روشی نوآورانه را برای برنامه‌ریزی‌های مبارزه با فقر پیشنهاد می‌کند. بجز تهیه حداقل معیشت، این برنامه‌ریزی‌ها به امنیت خانوارها در برابر خطرات، از طریق ترویج رفتار اقتصادی که در عین داشتن خطر بالاتر، دارای درآمد بالاتری است، کمک می‌کند. برای مثال، در مکانیزمی که نیازهای ضروری را در روستا تهیه می‌کند، ممکن است برای کارگر عملی‌تر باشد که خانواده خود را موقتاً ترک کند و کار سودمندتری را (مقایسه کنید با کار تصادفی در بخش کشاورزی) بیرون از روستا پیدا کند. به علاوه، برنامه‌های مبارزه با فقر [از سوی] دولت هندوستان، ظرفیت جانشینی توسط سیستم‌های سنتی حمایت یا تأمین در روستاها را داراست.

این مطالعه مشخص می‌کند که بسیاری از روابط عمودی سنتی که به تأمین امنیت در گذشته کمک کرده، دارای قابلیت بهره‌برداری بالایی بوده و همیشه به زمانهای مورد نیاز وابسته نبوده

است. بنابراین در مورد یوتار پردازش و بهار، اگر مکانیزم‌های رسمی تأمین اجتماعی (دولت مقدماتی) توسط سیستم‌های غیررسمی جایگزین شود، ممکن است بسیار مفید باشد. تحقیقات کیفی، اطلاعاتی مفیدی در مورد سرمایه اجتماعی در جوامع مورد مطالعه ارائه کرد. بر اساس این تحقیقات فقرا بیش از سایر افراد جامعه حاضر بودند به منظور حفظ و بقای ارتباطات خویشاوندی و اجتماعی تلاش کنند؛ شبکه‌های کمک دوجانبه به فقرا، تمایل به محدود کردن فوری جامعه و خانواده دارند؛ و فقرا آشکارا از ارتباطات اولیه خود برای دفاع از خود و کاهش خطر و آسیب‌پذیری استفاده می‌کنند. در مقابل، خانوارهای ثروتمند [آن نوع از] روابط اجتماعی را مطرح می‌کنند که تا اندازه‌ای بیرون از روستاست و می‌تواند برای کمک به اعضای خانواده برای به دست آوردن شغل سودآور<sup>۱</sup> یا امنیت سرمایه جهت سرمایه‌گذاری، مورد استفاده قرار گیرد.

### دروس آموخته شده

اولین و مهمترین درس این مطالعه این است که ارزش افزوده زیادی در استفاده همزمان از دو روش کیفی و کمی برای تفکر و شناخت در مورد مسئله فقر وجود دارد. روشن است که بینش‌های به دست آمده از این روش ترکیبی با بینش‌هایی که به تنهایی از یک روش حاصل شده، کاملاً متفاوت است. بدین ترتیب محققان کمی باید بدانند که چگونه از این روشهای تلفیقی در راستای ترکیب یافته‌های تحقیق در چارچوب آماری مطالعه، حداکثر استفاده را به عمل آورند. دوم آنکه، رویکرد ترکیبی، توزیع معناداری با فرایند آموزش انضباط داخلی ایجاد می‌کند. در این مطالعه، رویکرد ترکیبی بستری برای تغییر و تحول آرا و عقاید سازمانهای غیردولتی در هند (بسیاری از آنها فقر پژوهشی مرتبط با خودشان را دنبال می‌کنند)، بویژه برای محققانی مهیا کرد که به شکل آکادمیک در دانشگاه‌های هند به مطالعه در زمینه فقر مشغول بودند.

### نتایج و پیشنهادهایی برای تحقیق آینده

تا کنون [مشخص شده است که] روش‌شناسی ترکیبی کمی و کیفی مولدترین و مفیدترین

1. Lucrative

ترتیب شناخته شده برای اجرای تحقیق است. این مطالعه با بخش کیفی انجام شد به دلیل اینکه محققان تمایل به استفاده از یافته‌های دقیق‌تر و نیز سازگار در پرسشنامه پیمایشی با زمینه محلی داشتند. تحقیق کیفی همچنین می‌تواند منبعی برای پیمایش‌های نمونه مطلوب باشد؛ در بحث و بررسی، گاهی نیز نیاز به توضیح معما یا نتایج پیمایشی به دست آمده، برخلاف انتظارات است.

در جهانی ایده‌آل، هر دو گزینه انتخاب می‌شود. برای مثال، بعد از تکمیل اجزای کمی و کیفی مطالعه‌ای مانند این مطالعه، بازگشت به روستاهای مورد مطالعه مفید است و با اجرای تحقیق کیفی می‌توانیم به شفاف‌سازی هر پیامد تحلیل آماری مبهم کنار گذاشته شده بپردازیم. با این همه، فاز دوم تحقیق یعنی بخش کیفی، زمان مورد نیاز برای تکمیل ارزیابی‌های همه‌جانبه را افزایش می‌دهد و شرایط اضطراری زمان‌بندی کار عملیاتی را به دور دوم می‌کشاند، چنانچه مطالعه برای رسیدن به برنامه‌ریزی‌های عملی، سامان یافته باشد. بعد از اینکه انتخابها صورت گرفت، توصیه می‌شود که در پروژه تحقیقاتی ترکیبی آینده، برای تثبیت مؤثرتر و پرثمرتر تمرین‌های کمی و کیفی، به بهترین شیوه تلاش شود تا بهترین مزایای رویکرد ترکیبی به دست آید.

یافته‌های مطالعه ترکیبی، سوالات بیشتری را برای پژوهش آینده درباره فقر در هندوستان پیش روی محققان قرار داد. برای مثال، یافته‌های پیرامون مسائل سلامت و آموزش در سطح مدارس نشان دادند که فعالیت‌هایی که توسط دولت در مناطقی انجام تحقیق یا اجرای تحقیق به منظور بهبود وضعیت مدارس و خدمات بهداشتی - درمانی در سطح جامعه انجام شد، مطلوبیت چندانی برای فقرا نداشت. باید تحقیقات بیشتری به منظور تشریح کامل این نتایج و شناسایی نیازهای سیستم‌های خدمات انسانی انجام شود تا نیازهای آموزشی و سلامتی (بهداشتی) به طور مؤثرتری مورد شناسایی قرار گیرد.

نتایج این مطالعه نمایان می‌کند که فقر دارای شکل واحدی نیست و اشکال متفاوتی از فقر در مناطق مورد مطالعه کشف شده است. این خصوصیات باید بیشتر بررسی شوند تا مجموعه محدودیتهای پیش روی فقرا شفاف‌تر شده و بهترین راه برای برنامه‌ریزی و خدمات مورد نیاز آنها شناسایی شود.

در زمینه ارزیابی‌های فقر در هندوستان، محققان پیشنهاد کردند که گرایش به سمت فعالیت‌های ترکیبی، فازبندی شده و ارزیابی اولیه باید تشویق شود. ارزیابی فقرا اکنون به عنوان یک فرایند مداوم با فازبندی‌ها و انواع متفاوت ارزیابی [مطرح] است که هر یک توزیعی از درک

کامل نسبت به مسئله فقر را نشان می‌دهد. این روش تفاوت زیادی با روشهای سنتی دارد، که [در آن] تازه زمانی که محققان یافته‌های پژوهش خود را ارائه می‌دادند، ارزیابی‌ها به پایان می‌رسید. رویکرد جدید، که با این مطالعه سازگار است و از روشهای تحقیق ترکیبی استفاده می‌کند، فرصتهای جدیدی برای هماهنگی بهتر با ستاد عملیاتی ایجاد می‌کند تا نتایج کار تحقیقاتی فقر در توسعه برنامه‌ریزی عملیاتی بهتر ارائه شود. همچنین ممکن است زمان و فرصت بیشتری را برای کارمندان بانک جهانی از طریق شنیدن و فراگرفتن از آن به منظور فعالیت مؤثرتر در بخشهای مختلف کشور فراهم کند.

## یادداشت

از نظر بانک جهانی کار والرئ کوزل با اشتباهاتی همراه بود که داده‌های مطالعات باربارا پارکر، جیوانا پرنوشی<sup>۱</sup>، پیتر لانجو<sup>۲</sup>، و سلمان زیدی<sup>۳</sup> به آن افزوده شد. تیم مطالعاتی در هندوستان توسط پروفیسور راوی سریواستاوا<sup>۴</sup> (از بخش اقتصاد دانشگاه الله‌آباد هندوستان) هدایت می‌شد. رهبران گروههایی که این کار تحقیقاتی را انجام دادند، پروفیسور نیشا سریواستاوا<sup>۵</sup> (از بخش اقتصاد دانشگاه الله‌آباد هندوستان)، مادهاوی کوچاری<sup>۶</sup> (از یوتار پرادش)، آجی کومار<sup>۷</sup> (از مرکز نوآوری تحقیق و توسعه هندوستان)، ساندیپ<sup>۸</sup> (از یوتار پرادش) و ساشی بوشان<sup>۹</sup> (از ایالت بهار هندوستان) بودند.

1. Giovanna Prennushi
3. Salman Zaidi
5. Nisha Srivastava
7. Ajay Kumar
9. Sashi Bushan

2. Peter Lanjou
4. Ravi Srivastava
6. Madhavi Kuchareja
8. Sandeep